Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 10, No. 2, 2021
Research Paper

Systemic Lexical Semantics of the Holy Qur'an

Sayyid Mostafa Ahmadzadeh

Assistant Professor of the Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

Abstract

In the legacy of the tradition of interpreting the Holy Qur'an, various semantic methods of the words of the Holy Qur'an have been presented by commentators. In contemporary linguistics, various views and theories about lexical semantics have been presented. The purpose of this article is to explain the lexical semantics of the Holy Qur'an based on systems theory and to achieve a systematic method for the analysis of terminology of the Holy Quran. Due to the multidisciplinary nature of this article, descriptive, analytical systematic semantic method and Qur'an-to-Quran interpretation methods are used. While emphasizing the benefits of traditional interpretive methods and contemporary semantics, the author has tried to improve the lexical semantic analysis of the Holy Qur'an by using systems theory. According to this method, understanding the meaning of each word of the Holy Qur'an depends on understanding the meaning of all the words of the Holy Qur'an, and it is important to know the main words and the focal word to understand systematic connections between words. The author concludes that the focal word of the Holy Qur'an is the word "submission" which is the cornerstone of the main words of the Holy Qur'an.

Keywords: Systems Theory, Qu'ranic Functions of Systems Theory, Systemic Semantics, Holy Qur'an Terminology, Focal Point, Submission.

This is an open access article under the CC- BY 4.0 License (Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License).

http://dx.doi.org/10.22108/nrgs.2021.129555.1672

دوفصلنامه علمی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن
سال دهم، شماره دوم، شماره پیاپی (۲۰) پاییز و زمستان ۱۴۰۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰
صص: ۷۶– ۵۹

مقاله پژوهشی

معناشناسی سیستمی واژگانی قرآن کریم

سید مصطفی احمدزاده
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران
m.ahmadzadeh@isca.ac.ir

چکیده

مفسران در میراث سنت تفسیر قرآن کریم، شیوه‌های گوناگون معناشناسی واژگان قرآن کریم را عرضه کرده‌اند. در زبان‌شناسی معاصر نیز نظرها و نظریه‌های گوناگون دربارهٔ معناشناسی واژگانی ارائه شده است. هدف این نوشتار، تبیین معناشناسی واژگانی قرآن کریم براساس نظریهٔ سیستم‌ها و دستیابی به روشی جامع، بنیادی و سیستمی در واژه‌شناسی قرآن کریم بر پایهٔ مطالعات چندرشته‌ای است. به لحاظ ماهیت چندرشته‌ای، از روش توصیفی‌تحلیلی، روش معناشناسیِ سیستمی و روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است. نگارنده ضمن تأکید بر بهره‌گیری از دستاوردهای روش‌های سنتی تفسیری و معناشناسی‌های معاصر، تلاش کرده است با استفاده از نظریهٔ سیستم‌ها، فرایند معناشناسی واژگانی قرآن کریم را بهبود بخشد. بر اساس این روش، فهم معنای هر واژه قرآن کریم در گروِ فهم معنای همهٔ واژه‌های قرآن کریم است و برای برون‌رفت از ارتباطات سیستمی بین واژه‌ها، شناخت واژه‌های اصلی و واژهٔ کانونی اهمیت دارد. نویسنده نتیجه گرفت واژهٔ کانونیِ قرآن کریم، واژهٔ «تسلیم» است که سنگ زیرین واژه‌های اصلی قرآن کریم است.

واژه‌های کلیدی

نظریهٔ سیستم‌ها، کارکردهای قرآنیِ نظریهٔ سیستم‌ها، معناشناسی سیستمی، واژه‌شناسی قرآن کریم، واژهٔ کانونی، تسلیم

*نویسنده مسئول

۱. طرح مسئله

قرآن کریم، کلام خداوند است و هر کلامی از ترکیب واژه‌ها ساخته می‌شود. قرآن مجید نیز برای انتقال پیام خداوند به بشر، از ترکیب واژه‌ها در کنار یکدیگر بهره جسته است؛ ازاین‌رو، واژه‌شناسی رکن رکین فهم و تفسیر قرآن حکیم است. در سنت تفسیری، مفسران و لغت‌شناسان، بیشتر بر واژه‌شناسی با نگاه خُرد و جزئی تمرکز داشته‌اند و درنهایت، گاه از این سطح، گامی فراتر نهاده‌اند و در کتبی مانند *فروق اللغات*، از واژگان متقارب (مترادف) و متقابل (متضاد) نیز برای فهم واژه‌ای مدد گرفته‌اند (جزائری، ۱۳۸۰ق؛ عسکری، ۱٤۲۲ق). در دوران معاصر نیز برخی از لغت‌شناسان قرآن‌پژوه معاصر (مصطفوی، ۱۳۷٤ش) و قرآن‌پژوهان غیر مسلمان (ایزوتسو، ۱۳٦۱ش و ۱۳٦۰ش) سعی کرده‌اند بر این دایره بیفزایند و با بررسی واژگان مرتبط، دستگاه معنایی یک واژه را بررسی کنند تا به عمق معنای آن واژه دست یابند. بعضی از قرآن‌پژوهان زبان‌شناس، از این هم پیش‌تر رفته‌اند و با بررسی سیر تاریخی و ریشه‌شناسیِ یک واژه در زبان‌های سامی و اشعار عربی و کاربردهای قرآنی آن، تلاش کرده‌اند معنای دقیقی از یک واژه قرآنی به دست دهند (پاکتچی، ۱۳۹٦ش)؛ اما نباید به این تلاش‌ها و کوشش‌ها بسنده کرد و ضرورت دارد این پیشروی ادامه و تعمیق یابد؛ زیرا فرایند فهم و تفسیر یک واژه بسیار پیچیده است. اختلافات گوناگون مفسران در تفاسیر و زبان‌شناسان در تک‌نگاشت‌ها و مقالات بر سر معنای یک واژه، دلیلی بر این پیچیدگی است (خمینی، ۱۳۷٦، ج۱، صص۸٦-۷٦؛ قمی نیسابوری، ۱۳۸۱ق، صص۷۵-۷۳؛ هدایت، ۱۳۷۲ش، صص۱۵۰-۱۲۵). هرچند واژه‌شناسی قرآن کریم در درازنای تاریخ تفسیر از روند رو به رشدی داشته است، راه بسیار طولانی در پیش رو دارد تا به کمال برسد. همچنین، ظهور معناشناسی‌های متعدد که هر یک به خاطر رفع ضعف‌های دیگری در صورتی کمال‌یافته‌تر عرضه شده (گیررتس، ۱۳۹۳ش)، گواهی بر کاستی‌هایِ معناشناسی‌ها و لزوم تداوم جریان کمال‌یافتگی در معناشناسی دارد. هدف اصلی از این مقاله، دستیابی به روشی جامع، بنیادی و سیستمی در واژه‌شناسی قرآن کریم بر پایهٔ مطالعات چندرشته‌ای است. نگارنده در این مقاله، ضمن تأکید بر بهره‌گیری از دستاوردهای روش‌های سنتی تفسیری و معناشناسی‌های معاصر، تلاش دارد با استفاده از نظریهٔ سیستم‌ها، با برداشتن گامی رو به جلو در راستای فهم معنای یک واژه در قرآن کریم، به سه پرسش زیر پاسخ دهد: نظریهٔ سیستم‌ها چه تأثیری در فرایند معناشناسی واژگانی قرآن کریم دارد؟ چگونه می‌تواند این فرایند را بهبود و تعالی بخشد؟ برای برون‌رفت از ارتباطات تنگاتنگ شبکه‌ای بین واژه‌ها با یکدیگر، چه باید کرد؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

با توجه به چندرشته‌ای بودن ماهیت این پژوهش، و سروکار داشتن با رشته‌هایی مانند زبان‌شناسی، معناشناسی، ریشه‌شناسی، مدیریت سیستمی، فقه‌اللغه عربی و تفسیر قرآن کریم، پیشینهٔ آن هم چندرشته‌ای است. به سبب جدیدبودنِ مسئلهٔ پژوهش، تحقیقی که

کاملاً به این مسئله پاسخ داده باشد، به دست نیامد؛ اما به پژوهش‌هایی اشاره می‌شود که هر یک به نوعی – هرچند از نگاه نگارنده، سطحی – بخش‌های گوناگون این مسئله را کاویده‌اند. پهلوان‌نژاد و سزاوار بر پایهٔ نظریهٔ شبکهٔ معنایی، با نمایش معنای یک واژه در مجموعه‌ای از روابط معنایی در یک شبکه به درک عمیق‌تر معنای واقعی واژه دست یافته‌اند و نتیجه گرفته‌اند هیچ واژه‌ای را نمی‌توان به تنهایی درک کرد؛ زیرا درک هر واژه مستلزم آگاهی از روابطی است که آن واژه با واژه‌های دیگر در همان حوزه و دیگر حوزه‌ها دارد (پهلوان‌نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷؛ پهلوان‌نژاد و سرسرابی، ۱۳۹۰). قائمی‌نیا با توجه به نظریهٔ شبکهٔ شعاعی معنا معتقد است هر واژه دارای یک حالت مرکزی یا پیش‌نمونه‌ای است؛ اما واژه می‌تواند در سیاق‌های مختلف، توسعهٔ معنایی پیدا کند که این توسعهٔ معنایی در یک شبکهٔ معنایی صورت می‌گیرد. در این شبکه، یک معنای مرکزی و دیگر معانی، نقاط پیرامونی را فراهم می‌آورند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰). شاملی و دیگران به ارتباط سیستماتیک واژگان قرآن کریم اشاره کرده‌اند و آن را از گونه ارگانیک دانسته‌اند که معنای واژگان در متن دستگاه قرآن کریم، پیام‌های جدیدی را مخابره می‌کنند (شاملی، کهندل جهرمی، و قاسم‌نژاد، ۱۳۹۰). هرچند در یک دهه اخیر، پژوهش‌های متعددی با عناوین شبکه‌ای، شبکهٔ معنایی، شبکهٔ شعاعی و سیستمی منتشر شده‌اند، هیچ‌کدام معنای واژه را از زاویهٔ مطرح‌شده در این پژوهش نکاویده‌اند. در این نوشتار، بر نظریهٔ سیستم‌ها تمرکز است که بنمایهٔ آن نظریهٔ پیچیدگی است و سخن از ارتباط معنای یک واژه با همه معانیِ واژه‌های دیگر قرآن کریم است. پویایی، انعطاف‌پذیری، ارتباطات سیستمی و زیر سیستمی، واژهٔ کانونی و شدت و ضعف معناییِ واژه‌ها براساس منطق فازی از مهم‌ترین عناصری است که در این مقاله به آن توجه شده و تفاوت آن را با سایر آثار و نیز نوآوری و عمق آن را برجسته ساخته است.

۳. نظریّهٔ سیستم‌ها

هدفِ «نظریهٔ سیستم‌ها»، مطالعهٔ ماهیّت سیستم‌ها در طبیعت، اجتماع و علم است. سیستم به مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنها گفته می‌شود که با ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیط‌شان یک کل را تشکیل می‌دهند (Hall & Fagen,1956, p.18). زبانشناسِ برجسته، دوسوسور، در مبانی زبانشناختی خویش، زبان را یک «نظام» یا «دستگاه» یا همان «سیستم» می‌داند. به عقیدهٔ او، «سیستم عبارت است از کل سازمان‌یافته‌ای مرکب از عناصری متعدد که آنها تنها در ارتباط با یکدیگر و بر حسب مکانشان در این کل تعریف می‌شوند» (دوران، ۱۳۷٦، ص١٤). در سیستم، رفتار هر جزء بر رفتار کل تأثیر دارد و رفتار اجزا و تأثیر آنها بر کل، به هم وابسته‌اند. هر بخش از سیستم خواصی دارد که اگر از سیستم جدا شود، از دست می‌رود و هر سیستم خواصی دارد که هیچ‌کدام از بخش‌ها به تنهایی واجد آن نیستند و خاصیت هم‌افزایی، مهم‌ترین شاخص سیستم است (محمدی و دیگران، ۱۳۸۹، صص۳۲–۳۱). عناصر هر سیستم همان اجزای تشکیل‌دهندهٔ

آن‌اند که وظایف اساسی سیستم را بر عهده دارند. هنگامی که بتوان عنصری از یک سیستم را به‌منزلهٔ سیستمی جداگانه در نظر گرفت، آن عنصر، «خرده‌سیستمی» از سیستم بزرگ‌تر تلقی می‌شود. عناصر یک سیستم، عبارت‌اند از: ۱. ورودی‌ها: (ماده، انرژی، انسان، محصول، خدمت و اطلاعات)؛ ۲. فراگرد (پردازش): (تبدیل ورودی به خروجی با ماشین، انسان، سازمان و کامپیوتر)؛ ۳. خروجی‌ها: (ماده، انرژی، انسان، محصول، خدمت و اطلاعات) (رضائیان، ۱۳۷٦، صص ۳٦- ۲۹). سیستم‌ها انواعی دارند. سیستم بسته، عملیات خودش را به‌طور خودکار ازطریق اِبراز واکنش نسبت به اطلاعات تولیدشدهٔ خود، کنترل یا تعدیل می‌کند. سیستم باز با محیط خود تبادل انرژی، ماده و اطلاعات دارد (رضائیان، ۱۳۷٦، ص ۵۸). سیستم پیچیده به علت ارتباط بین اجزای آن و همچنین، ارتباط با دیگر پدیده‌ها پیچیدگی زیادی دارد و رفتار جمعی متفاوتی بروز می‌دهد که با مطالعهٔ تک‌تک اجزای آن نمی‌توان به رفتار جمعی آن دست یافت. عناصر سازندهٔ سیستم پیچیده، تشکیل شبکه‌ای را می‌دهند که اجزای شبکه دارای برهم‌کنش هستند و از اندیشهٔ کل‌نگر بهره می‌گیرند. در سیستم‌های پیچیده روابط میان عناصر، اجزا و اعضا از نوع علت و معلولی ساده و خطی نیست؛ بلکه روابط میان عناصر و محیط پیچیده، پیش‌بینی‌ناپذیر و متکثرند. سیستم‌های پیچیده، سیستم‌هایی چندلایه‌اند؛ زیرا عناصر و اجزای سیستم‌های پیچیده، پیچیده‌اند. سیستم‌های پیچیده دارای شبکهٔ روابط پویا و متکثرند و شبکه‌های متعدد و کوچک درون سیستم با یکدیگر تعامل و ارتباط پویا و سازگار دارند (نک: خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۷ش، صص ۱۳۸-۱۳۱).

٤. نگاه سیستمی به قرآن کریم

دست‌کم از سه نظر اثبات می‌شود که قرآن کریم، یک سیستم است. نخست اینکه زبان، یک سیستم است (Frei & Burger & Godel, 1963, p.19) که در گفتار و نوشتار، خود را نشان می‌دهد. براساس زبان‌شناسی سیستمی - نقشیِ[1] «هلیدی»، هر متنی به‌مثابهٔ یک سیستم است و برای فهم و تفسیر آن، باید سیستمی عمل کرد (Halliday, 1978, "pp", 10-11). قرآن کریم نیز از این نظر که یک متن وحیانی است، به‌واسطهٔ متنیّتش، یک سیستم قلمداد می‌شود. همچنین، هر دینی و ازجمله دین اسلام، یک سیستم است؛ زیرا در اسلام، معارف و احکام الهی همه با هم مرتبط‌اند؛ به طوری که اگر خللی در یکی از این معارف و احکام به وجود آید، این خلل بر سایر معارف نیز تأثیرگذار خواهد بود (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج ٦، ص٤٦) و به دنبال آن، متنی که دین را معرفی می‌کند نیز باید یک سیستم باشد تا بتواند دین را به‌صورت کامل برای مخاطبانش بیان و به آنان منتقل کند؛ ازاین‌رو، قرآن کریم که مبیِّن دین اسلام است، یک سیستم است. سه دیگر اینکه زبان، یک سیستم بسیار پیچیده است و انسان که از این زبان بهره می‌گیرد نیز یک سیستم پیچیده است؛ ازاین‌رو، قرآن که کلام الهی است و به زبان عربی و برای هدایت انسان نازل شده است نیز باید یک سیستم پیچیده باشد تا بتواند محتوای دین سیستمی را ازطریق زبان

سیستمی به انسان سیستمی انتقال دهد و اگر غیر از این باشد، محل تأمّل است. این سیستم - قرآن کریم - نیز مانند هر سیستمی عناصری دارد. ورودی این سیستم، پرسش است[۲] که از جنس اطلاعات است و فراگرد آن، مفسّر است که انسان است و خروجی آن، پاسخ به پرسش است که آن نیز از جنس اطلاعات است (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج۱، صص۲۲۷-۲۲۵). این عناصر در شکل زیر نشان داده شده‌اند.

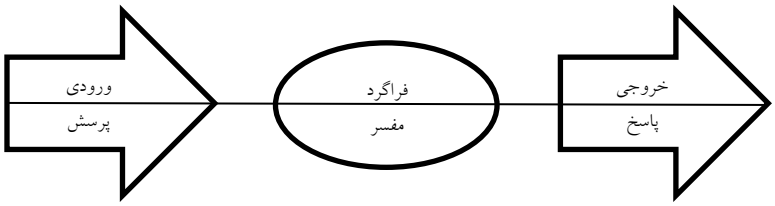

شکل۱: عناصر سیستم قرآن کریم

٤-١. قرآن، سیستم باز

همچنین، قرآن کریم، یک سیستم باز است؛ زیرا با محیط خود تبادل اطلاعات دارد (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج۱۳، ص ۱۵۱). با توجه به اینکه قرآن کریم معجزهٔ جاودان پیامبر اکرم است و هدایت همهٔ نسل‌ها و عصرها را به عهده دارد، لازمهٔ تحقق این امر، پاسخ‌گویی آن به نیازهای هدایتی بشر و پرسش‌هایِ انسان در همهٔ زمان‌ها و مکان‌هاست. با توجه به دگرگونی نیازهای انسان در طول تاریخ و به‌ویژه در دنیای معاصر و به دنبال آن، پدیدآمدن پرسش‌های نو، نحوهٔ مواجههٔ انسان امروزی با قرآن کریم بسیار متنوع و گسترش‌یافته است؛ ازاین‌رو، تحولات دنیای معاصر، سبب ظهور شبهات و مسائل جدید می‌شود و پاسخ‌های نوینی را از قرآن کریم طلب می‌کند؛ بنابراین، انسان معاصر، پرسش‌هایی را بر قرآن کریم عرضه می‌کند که پیش از این، این سؤالات مطرح نبوده‌اند. نتیجه اینکه قرآن کریم متناسب با نیاز و پرسشِ هر محیطی، اطلاعات و پاسخ‌هایِ جدیدی را ارائه می‌کند و این داد و ستد فعال، نشان‌دهندهٔ پویایی قرآن کریم و بازبودن سیستم آن است. این نکته در آیات قرآن کریم و روایات نیز آمده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۱۰).

٤-٢. قرآن، سیستم پیچیده

قرآن کریم، افزون بر اینکه یک سیستم باز است، یک سیستم پیچیده نیز هست؛ زیرا عناصر و اجزای قرآن کریم بسان شبکهٔ بسیار پیچیده و درهم‌تنیده است. نه‌تنها واژگان قرآن هم‌آوای هم است، به لحاظ مبادی تصوری مفاهیم الفاظ قرآن همسوی یکدیگر و ازنظر مبادی تصدیقی، مقاصد آیات قرآن همسان هم است (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ج۱، ص۱۲۸). افزون بر این، قرآن هم ظاهر دارد و هم باطن و میان ظاهر و باطن آن نیز هماهنگی و پیوند برقرار است که بر پیچیدگی این سیستم می‌افزاید؛ ازاین‌رو، تفسیر درست هر مفهوم و موضوعی در پرتو روح حاکم بر قرآن کریم به دست می‌آید؛ زیرا ارتباطات شبکه‌ای، بین مفاهیم و موضوعات و نیز آیات و سوره‌های مختلف وجود دارد. قرآن کریم از آن رو یک سیستم پیچیده

است که خرده‌سیستم‌های آن – سوره‌ها و موضوعات – نیز سیستم‌های پیچیده‌اند و ارتباطات پویا، سازگار و متعددی میان آنان برقرار است. این تعاملات سبب شده است لایه‌های گوناگونی میان اجزای متن یا همان آیه‌ها هویت پیدا کند و نیز انسجام قرآن کریم را گستره و عمق بخشد و زمینه را برای توسعهٔ تفسیر قرآن کریم در راستای پاسخ‌گویی به نیازها و چالش‌های متنوع انسان معاصر فراهم آورد (نک: قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، صص ۱۷۰– ۱۳٦؛ قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، صص ٤۰۳–۳۰۷). در تفسیر قرآن به قرآن، یک آیه براساس سایر آیات مرتبط با آن تفسیر می‌شود که نشان‌دهندهٔ نگاه سیستمی به ارتباطات تنگاتنگ میان آیات و مفاهیم است (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج٤، ص۳۵۳؛ طباطبایی، ۱۳۵۰ش، صص۲۱–۲۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ج۱، ص٦۱). وضع اصطلاحات عام و خاص، مطلق و مقیّد، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبیّن، محکم و متشابه در سنت تفسیری قرآن کریم که نشان‌دهندهٔ داد و ستدهای گوناگون میان آیات و خرده‌سیستم‌های قرآن است، مؤید دیگری بر نگاه سیستمی مفسران به قرآن کریم بوده و هست. در تفسیر موضوعی، بر اساس ارتباط همهٔ آیات قرآن کریم با یکدیگر، آیات مربوط به یک موضوع جمع می‌شود و برآیند این آیات به‌عنوان تفسیر درست آن موضوع مطرح می‌شود. به دیگر سخن، برای دستیابی به تفسیر درست یک آیه، آیات دیگری که به آن موضوع پرداخته‌اند، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و یک سیستم را تشکیل می‌دهند که این آیه مدنظر، خرده‌سیستمی در درون سیستم موضوعی آن آیات به حساب می‌آید (نک: کمالی، ۱۳۸٤، صص، ۱۳۲–۱٤۲).

بنابراین، نگاه سیستمی به قرآن کریم جزء مبانی تفسیری آن است و فهم و تفسیر این کتاب نیز باید سیستمی باشد؛ زیرا هماهنگی آیات به گونه‌ای است که اگر یکی از آنها حذف شود، مثل آن است که همهٔ آیات حذف شوند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، صص ۳۹۵–۳۹۳). این نگاه همچنان که در تفسیر ساری است، در مراحل تفسیر نیز به‌نوبه‌خود جاری است. به دیگر سخن، همهٔ مراحل تفسیر، از واژه‌شناسی تا تفسیر نهایی، خرده‌سیستم‌هایی هستند که با ارتباط و پیوند به یکدیگر، تفسیرِ سیستمی قرآن کریم را شکل می‌دهند. در نخستین گام تفسیر سیستمی، یعنی معناشناسی واژگان قرآن کریم نیز شایسته و بایسته است که نگاه سیستمی بر فرایند معناشناسی واژگانی حاکم باشد. بنمایهٔ این نگاه، معناشناسی سیستمی است.

۵. معناشناسی سیستمی واژگانی

هلیدی، زبان‌شناس نقش‌گرای مشهور، با طرح نظریهٔ زبان‌شناسی سیستمی – نقشی، معناشناسی را یک گام به معناشناسی سیستمی نزدیک کرده است (Halliday, 1994)؛ اما این راه پر پیچ و خم و نفس‌گیر، به بررسی‌ها و پژوهش‌های بیشتری نیاز دارد. آنچه در اینجا مطرح می‌شود تنها زمینه‌سازی برای گسترش و تعمیق این بحث در مطالعات قرآنی است.

یکی از کارکردهای قرآنی نظریّهٔ سیستم‌ها، معناشناسی واژگان قرآن کریم است. هر متنی، دستگاه و سیستمی است که تمامی عناصر آن با یکدیگر

همبسته‌اند و تبیین هر عنصر، تنها با حضور هم‌زمان عناصر دیگر امکان‌پذیر است. معناشناسی واژگان قرآن کریم نیز از این نظر که قرآن متنی زبانی است، بر مبنای نگاه سیستمی به زبان و متن استوار است؛ زیرا در هر متنی، همه‌چیز بر بنیاد روابط استوار است؛ همان روابطی که در یک سیستم برقرار است. هرچند واژه‌های زبان هر کدام با معنایی مشخص و مستقل ارتباط دارند، با در نظر گرفتن ویژگی سیستمیِ زبان، برای تعیین معناییِ هر عنصر زبانی باید به روابط درونی نظام زبان توجه کرد؛ زیرا با اینکه هر لفظ با معنای خاصی ارتباط دارد، ارزش معنایی واقعی یک واژه، در درون جمله و در ارتباط با اجزای دیگری که با آن همنشین شده‌اند یا می‌توانند جانشین آن شوند، روشن می‌شود. بدین ترتیب بارهای معنایی هر واژه درون سیستم متن گسترش می‌یابد و می‌تواند مرتّب در ارتباط با عناصر دیگر، مفاهیم و معانی گوناگون ارائه کند. درحقیقت این قابلیت ارائهٔ مفاهیم گوناگون به خود واژه به‌تنهایی مربوط نمی‌شود؛ بلکه از رابطهٔ همنشینی آن با عناصر دیگر روی زنجیر گفتار ناشی می‌شود؛ بنابراین، هر واژه می‌تواند در معنای واژه‌های همنشین با آن در جملات مختلف تأثیر داشته باشد. به سخن دیگر، هر نشانهٔ زبانی دو معنای «مستقیم» و «غیر مستقیم» دارد؛ زیرا هر واژه علاوه بر اینکه در فهرست واژگانی زبان مستقیماً با معنای مستقل و مشخصی ارتباط می‌یابد، به‌طور غیر مستقیم نیز در معنای واژهٔ جانبی خود تأثیر می‌گذارد و حتی در برخی از موارد ابهام معنایی آن را برطرف می‌کند (باقری، ۱۳۷۰، صص ۲۵۳-۲۵۱).

۵-۱. میدان معناشناختی

هر واژه و اصطلاحی، جزئی از سیستم و نظام بزرگ‌تر معنایی متن قرآن کریم است. برای دستیابی به معنای دقیق یک واژه در قرآن کریم، افزون بر پی‌گیری ریشه‌شناسیِ آن واژه در فرهنگ‌های لغت عربی و قرآنی و احیاناً در فرهنگ‌نامه‌های زبان‌های سامی، لازم است تمام کاربردهای آن واژه در سراسر قرآن کریم، بررسی و همهٔ واژه‌های هم‌معنا (مترادف) و متقابل (متضاد) آن و واژه‌های همنشین و جانشین آن نیز تجزیه و تحلیل شوند. علاوه بر این، باید به تمام واژه‌هایی که به نوعی با آن واژه مرتبط‌اند و در میدان یا حوزهٔ معناشناختی (نک: ایزوتسو، ١٣٦١، صص، ٢٥- ٢٤) آن جای دارند نیز توجه شود. این همان نگاه سیستماتیک به معناشناسیِ واژگانی قرآن کریم است. یک واژه به‌ندرت می‌تواند از واژه‌های دیگر کنار بماند و به هستی خود به تنهایی ادامه دهد. برعکس، واژه‌ها در همه‌جا گرایش شدیدی به ترکیب با برخی از واژه‌های دیگر در بافت‌های کاربردی خود دارند. هر واژه‌ای برای خود یاران گزیده دارد، تا آنجا که سراسر واژگان یک زبان به‌صورت سیستم پیچیده‌ای از گروه‌بندی‌های معنایی درمی‌آیند. بازکردن این سیستم پیچ‌درپیچ یکی از وظایف مهم معناشناس است (ایزوتسو، ١٣٦١، صص ٨١-٧٤).

درخور ذکر است میان معناشناسی مکتب بن و معناشناسی سیستمی، افزون بر اشتراکات، تفاوت‌های بسیار عمیقی نیز وجود دارد. اصولاً هر معناشناسی، وام‌دار معناشناسی‌های پیش از خود است و بر آنها تکیه دارد؛ ازاین‌رو، در معناشناسی سیستمی همچون

معناشناسی مکتب بن از روابط جانشینی و همنشینی هم استفاده می‌شود؛ اما معناشناسی سیستمی، در روابط جانشینی و همنشینی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه بسیار فراتر از آن حرکت می‌کند. در معناشناسی سیستمی، همه واژه‌های کل متن، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند؛ به طوری که برای دستیابی به معنای یک واژه باید کل متن و همه واژه‌های متن را بررسی کرد که این گستره و عمق در مکتب بن وجود ندارد. همچنین، این بررسی به کاوش همه متن محدود نمی‌شود؛ بلکه همه روح متن، همه سیاق متن به معنای زبانشناختی سیاق و نه معنای سنتی تفسیری سیاق، همه جغرافیای متن و همه داد و ستدهای معنایی درون متن و غیره را نیز شامل می‌شود. شیوهٔ مطالعهٔ معنای یک واژه در معناشناسی سیستمی، هم به لحاظ مبانی و اصول و هم به لحاظ روش‌شناسی و روش، کاملاً با معناشناسی مکتب بن و سایر معناشناسی‌ها متفاوت است.

۵-۲. سیستم واژگانی

همچنین، یک واژه در درون جمله، معنای دقیق خود را نشان می‌دهد. این مطلب هنگامی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که آن واژه، معانی گوناگونی داشته باشد. با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، استفاده از معانی متعدد واژه‌ها در کاربردهای گوناگون است، توجه به جایگاه یک واژه در درون یک جمله و نیز ارتباط میان جمله‌ها در یک آیه، اهمیت دوچندان می‌یابد. این بررسی تنها به جمله و آیه محدود نمی‌شود؛ بلکه در امتداد آن، سوره و درنهایت، کل قرآن کریم به‌مثابهٔ یک متن و یک سیستم در شناخت دقیق معنای یک واژه و یک جمله دخیل است و این، دقیقاً همان سیستمی‌بودن قرآن است.

۵-۳. خرده‌سیستم واژگانی

گذشته از این، هر سیستمی نسبت به سیستم‌های بزرگ‌تر از خود، یک خرده‌سیستم به حساب می‌آید؛ همچنان که یک خرده‌سیستم نسبت به خرده‌سیستم‌های درون خود، یک سیستم به‌شمار می‌آید. قرآن کریم نیز از این قاعده مستثنی نیست. هرچند قرآن کریم، یک سیستم است، نسبت به سیستم‌های بزرگ‌تر از خود مانند سیستم زمان، سیستم مکان، سیستم فرهنگ جاهلی، سیستم آداب و رسوم، سیستم هنجارها، سیستم اقتصاد، سیستم سیاست، سیستم دین و ... یک خرده‌سیستم محسوب می‌شود؛ بنابراین، همچنان که معنای یک واژه براساس معانیِ واژه‌های دیگرِ جمله‌ای که این واژه در درون آن جمله است و براساس سایر کاربردهایِ آن واژه در سایر جملات، آیات و سوره‌ها تدقیق می‌شود، براساس زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، هنجارهای جامعه، رخدادهای سیاسی و اقتصادی عصر و مکان تولید متن و در یک عبارت، جغرافیای متن نیز تدقیق می‌شود؛ البته روشن است این تأثیرات سلسله‌مراتب دارند و تأثیر واژه‌های همنشین آن واژه در یک جمله، در معناشناسیِ آن واژه به مراتب بیشتر از تأثیر جغرافیای متن در معناشناسیِ آن واژه است؛ ولی این تأثیرِ مراتبی، نقش جغرافیای متن را در معناشناسیِ متن، سوره، آیه، جمله و درنهایت، واژه، صفر نمی‌کند.

براساس قاعدهٔ ریاضی که هرچه اجزای یک

سیستم بیشتر شود، ارتباطات میان آن اجزا به‌صورت «توان» افزایش پیدا خواهد کرد، معانی آیات به‌صورت «توانی» افزایش پیدا خواهد کرد. میان تک‌تک عناصر، ارتباطات معنایی سیستمی برقرار است؛ به طوری که هر مفهومی دارای سیستم معنایی خاصی است که این سیستم بر سایر سیستم‌هایِ معناییِ مفاهیم دیگر قرآن کریم تأثیرگذار است (نک: پهلوان‌نژاد، و سزاوار، ١٣٩٠، صص ٤٤- ٩).

در بسیاری از آیات قرآن کریم، هنگامی که مفهومی به هر شکلی توضیح داده می‌شود، در پایان آیه، این مفهوم با مفاهیم دیگر گره می‌خورد (نک: بقاعی، بی‌تا)؛ برای نمونه، در سراسر آیهٔ ١٧٧ سورهٔ بقره، سخن از برّ است؛ اما در پایان آیه، سخن از صدق و تقوا آمده است. این سبک قرآن کریم، زمینه را برای درهم‌تنیدگی مفاهیم و به دنبال آن، پیچیدگی ارتباطات سیستمی میان معانی، مفاهیم و موضوعات فراهم ساخته است.

در روش تفسیر قرآن به قرآن، هر سورهٔ قرآن کریم نسبت به کل قرآن کریم، خرده‌سیستم است و نیز به دلیل در بر داشتن آیات - که هر دسته آیه یا یک آیه، خرده‌سیستمی نسبت به کل یک سوره است - سیستم است. این روند تا تک‌تک واژگان ادامه دارد؛ یعنی هر واژه، خرده‌سیستمی است نسبت به جمله‌ای که این واژه در درون آن جمله قرار گرفته است؛ زیرا یک جمله که متشکل از واژگانی (خرده‌سیستم‌ها) است، یک سیستم است.

٦. معناشناسی سیستمی واژهٔ ذنب

حال با این توضیحات تصور کنید می‌خواهید به‌عنوان یک معناشناس، معنای دقیق واژهٔ ذنب را در قرآن کریم به دست آورید؛ هنگامی که به سراغ واژه‌های هم‌معنایِ آن می‌روید با واژگانی مانند: اثم، سیئه، خطیئه، جُرم، جُناح، حَرَج و ... روبه‌رو می‌شوید.

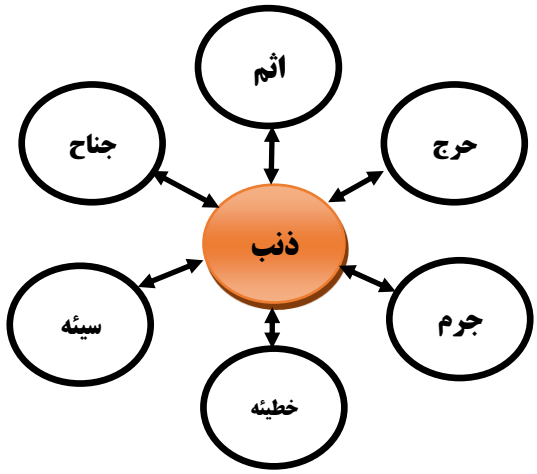

شکل ٢: ارتباط سیستمی واژه‌های هم‌معنای واژه ذنب

برای دست‌یافتن به معنای دقیق واژهٔ ذنب، شما باید معنای دقیق تک‌تک واژه‌های بالا را روشن کنید تا بتوانید از مقایسهٔ دوایر معنایی هر واژه با دیگری، به تفاوت این واژه با سایر واژه‌های هم‌معنای آن دست یابید؛ بنابراین، کار معناشناسی را با معناشناسی واژهٔ سیئه ادامه می‌دهید. برای روشن‌سازی این واژه، دوباره باید مسیر پیشین طی شود؛ یعنی شما باید معنای واژگان هم‌معنا و متضاد سیئه را بدانید تا بتوانید به معنای دقیق آن دست یابید؛ برای مثال، باید معنای متضاد آن یعنی «حسنه» را کشف کنید تا بتوانید معنای دقیقی از سیئه ارائه کنید. باز مجبورید این مسیر را

ادامه دهید؛ زیرا معنای حسنه با واژه‌های هم‌معنا و متضاد آن نیز ارتباط دارد و بدون فهم آنها ممکن نیست به معنای دقیق حسنه دست پیدا کنید.

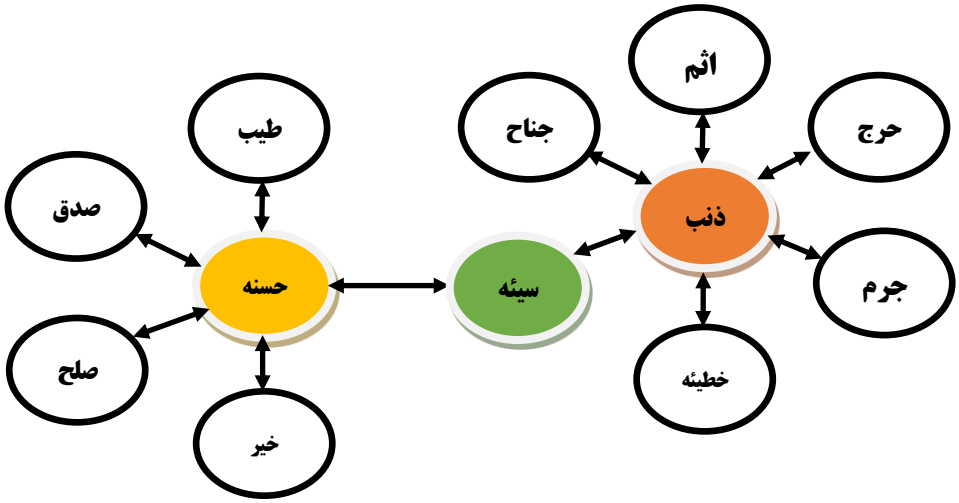

شکل ۳: ارتباط سیستمی واژه‌های ذنب، سیئه و حسنه

پس از طی این مسیر طولانی، هنگامی که می‌خواهید معنای دقیق حسنه را به دست آورید، باز با مسئلهٔ دیگری روبه‌رو می‌شوید و آن همان مسئلهٔ پیشین است؛ یعنی برای فهم دقیق معنای «حسنه»، باید نخست معنای «صالح» و عبارت «عمل صالح» را متوجه شوید تا بتوانید بر مبنایِ آن، معنای «عمل حسن» یا « حسنه» را کشف کنید. دوباره در یافتن معنایِ صالح، دچار یک مسئلهٔ دیگر می‌شوید و آن شناسایی معنای ایمان است؛ زیرا در قرآن کریم، ایمان با عمل صالح پیوند ناگسستنی دارد. همچنین، ایمان هم با تقوا، اسلام، برّ، اخلاص و ... ارتباط دارد و تقوا هم با واژگان متنوع دیگر ارتباط دارد و این سیر بدون وقفه ادامه پیدا می‌کند. نتیجه اینکه نمی‌توانید معنای دقیقی از یک واژه در قرآن کریم ارائه دهید.

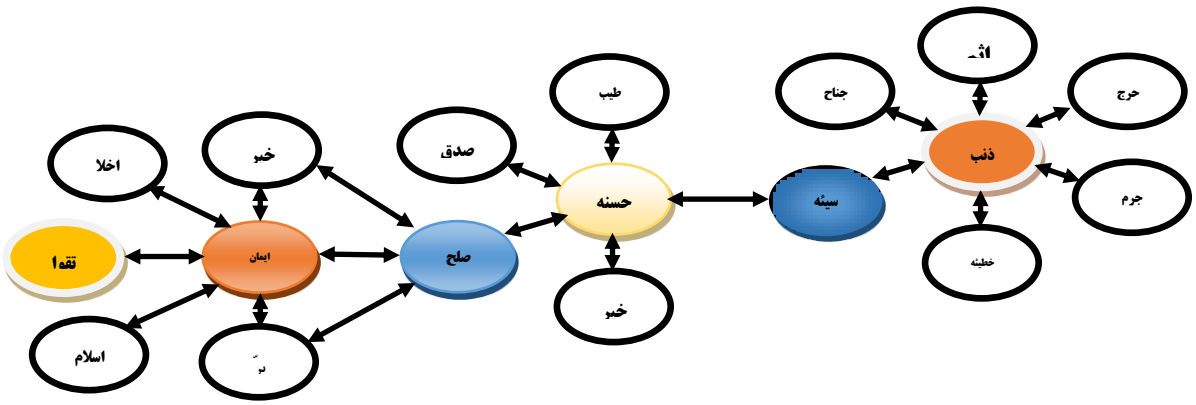

شکل ٤: ارتباط سیستمی میان واژه‌های ذنب، سیئه، حسنه، صلح، ایمان و تقوا

۷. راه کارهای برون‌رفت از دور سیستمی

برای حل این مسئله و برون‌رفت از این سیر طولانی و دور سیستمی، دست‌کم چند راه در پیش رو دارید:

۷-۱. اعتباری

برای قطع‌کردن این زنجیرهٔ طولانی، براساس اعتباری که از دل ادبیاتِ شکل‌گرفته در میان معناشناسان برخاسته، عمل می‌کنید؛ یعنی دایره‌ای از واژه‌های بسیار نزدیک به یکدیگر انتخاب می‌کنید که معمولاً واژه‌های هم‌معنا و متضاد را در بر می‌گیرد و بر اساس آن، دایرهٔ بررسی را محدود می‌کنید و به دریافت‌های اولیه دربارهٔ آنها بسنده می‌کنید. از بررسی کاربرد این واژه‌ها، بخش چشمگیری از دوایر معنایی آنها روشن می‌شود و به همین مقدار اکتفا می‌کنید. حال ممکن است در برخی موارد، افزون بر واژه‌های هم‌معنا و متضاد، برخی دیگر از واژه‌های نزدیک را در زنجیرهٔ هم‌نشینی و جانشینی نیز به این دایره بیفزایید (نک: ایزوتسو، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱)؛ در این صورت، محدودهٔ اعتبار را گسترش داده‌اید و به‌طبع، نسبت به حالت نخست، دوایر معناییِ دقیق‌تری را رصد خواهید کرد و یک گام از مرحلهٔ پیشین، پیش‌تر خواهید بود و یافته‌های متقن‌تر و قابل دفاع‌تری را به دست خواهید آورد.

۷-۲. مفاهیم عینی و انتزاعی

هم در سنت تفسیری و هم در زبان‌شناسی دربارهٔ ارتباط میان مفاهیم عینی و انتزاعی بسیار بحث شده است. بعضی از واژه‌شناسان معتقدند قرآن کریم دایرهٔ معنایی برخی از واژه‌ها را گسترش داده و معنای معنوی را جایگزین معنای مادی آن کرده و با هویت جدیدی آن را به کار برده است (جاحظ، ۱٤۲٤، ج۵، صص۱۵۱-۱۵۰؛ ابن‌فارس، ۱۹۷۹، ج۵، ص٤۵۵). عده‌ای از زبان‌شناسان نیز تصریح کرده‌اند کلمه‌هایِ عینی، سریع‌تر و صحیح‌تر از کلمه‌هایِ انتزاعی، درک و پردازش و به خاطر آورده می‌شوند که از آن با نام «اثر عینیت» یاد می‌شود (Paivio, 1990, p.11). لیکاف و جانسون بر این عقیده‌اند که مفاهیم انتزاعی با بهره‌گیری از مفاهیم عینی سازمان‌بندی می‌شوند. ذهن انسان مفاهیم انتزاعی را براساس مفاهیم ملموس و عینی‌تر دارای ساختار دقیق و مشخصی در می‌یابد (براتی، ۱۳۹۶، ص۵۷). این همان اصل بنیادیِ «استعارهٔ مفهومی» در زبان‌شناسیِ شناختی است که از آن با عناوین دیگری مانند «جسمی‌شدگی»[۳] و «دستوری شدگی»[٤] نیز یاد می‌شود. همچنین، پیاژه، دربارهٔ مراحل رشد زبان در کودکان به مراحلی ازجمله حسی - حرکتی، پیش‌عملیاتی، عملیات عینی و انتزاعی اشاره کرده است (ماسن، کیگان، هوستون، و کانجر، ۱۳۸۸، صص۳۱٤-۳۰۲).

همچنان که یک کودک، برای آموختن زبان از اشیای مادی و مفاهیم عینی آغاز می‌کند و سپس براساس مفاهیم عینی، به مرور زمان و با توسعهٔ سطح شناختی‌اش وارد مرحلهٔ بعدی زبان یعنی درک و فهم مفاهیم انتزاعی می‌شود، شما هم برخی از واژه‌هایی را که معنای مادی و عینی روشن‌تری دارند، در مرحلهٔ نخست قرار دهید و سپس با به دست آوردن معنای دقیقی از آنها کار معناشناسی را آغاز کنید و سپس در مراحل بعدی، بر اساس این واژه‌هایی که پایه قرار گرفته‌اند، به سراغ شناخت معنایِ واژه‌هایِ پیچیده‌تر، انتزاعی بروید تا معنای آنها را به دست آورید. در این

مرحله، چون از پیش معنای مادی و عینی را کامل درک کرده‌اید، می‌توانید آن را مبنا قرار دهید و به سراغ واژه‌های کاملاً انتزاعی یا واژه‌هایی بروید که در ابتدا معنای مادی داشته‌اند و بعداً معنای معنوی پیدا کرده‌اند و براساس واژه‌های پایهٔ عینی، واژه‌های پیچیدهٔ انتزاعی را بررسی و معناشناسی کنید (نک: شاملی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۷).

۷-۳. واژهٔ کانونی

در هر زبانی، واژگانی وجود دارند که نسبت به سایر واژگان، نقش محوری و کلیدی دارند و دیگر واژه‌ها به لحاظ معنایی بر پایه آنها معنا می‌شوند؛ برای مثال، کلمه «کتاب» در قرآن کریم، ارتباط خاصّی با «الله»، «وحی»، «تنزیل»، «نبی» و «اهل» دارد که به آن رنگ معناشناختی خاصی بخشیده که بسیار پیچیده است (ایزوتسو، ۱۳۶۱، صص ۱۵-۱۴). یا کلمه «ایمان» واژه‌ای است که در دربارهٔ آن کلمات دیگری مشاهده می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص۲۹). شکل زیر این ارتباط سیستمی را نشان می‌دهد.

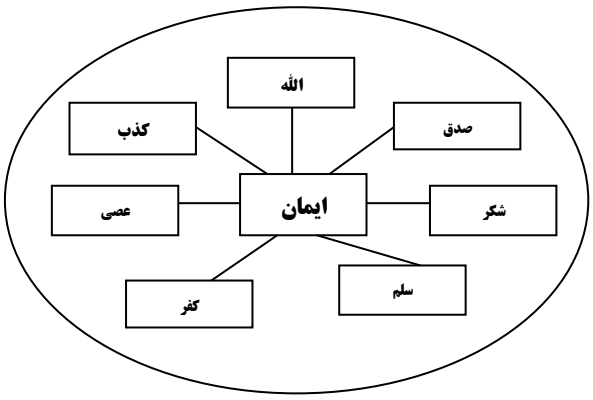

شکل ۵: ارتباط سیستمی واژهٔ «ایمان» با سایر واژه‌ها

این ویژگی اختصاص به واژگان قرآن ندارد؛ بلکه در آیات و سوره‌های قرآن نیز وجود دارد. درحقیقت، در قرآن کریم سه سطح کانونی وجود دارد: سطح واژگان کانونی، سطح آیات کانونی و سطح سوره‌های کانونی. آنچه در میراث تفسیری از آن با عنوان آیات غرر مانند آیه‌الکرسی (آیه کانونی) و سوره ام‌الکتاب (سوره کانونی) یاد شده و می‌شود، دقیقاً بر پایهٔ همین اصل استوار است (نک: طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج۱، ص۳۶۱). در این نوشتار، تنها سطح نخست یعنی واژگان کانونی محل بحث است.

در این نوشتار، توجه به سه نکته بایسته است: ۱. برای معناشناسی هر واژه‌ای در قرآن کریم، به نوعی به معناشناسی همه واژه‌های قرآن کریم نیاز است؛ ۲. برخی از واژه‌های قرآن کریم که به لحاظ معنایی، ارتباط بیشتری با یکدیگر دارند، سیستمی را تشکیل می‌دهند که در مرکز آن سیستم، یک واژهٔ اصلی قرار دارد؛ ۳. همهٔ واژه‌های اصلی قرآن کریم نیز سیستمی‌اند که در مرکز آن، یک واژهٔ کانونی قرار دارد و همهٔ این واژه‌های اصلی، معنای خود را از آن واژهٔ کانونی می‌گیرند. به دیگر سخن، معنای آن واژهٔ کانونی در گام نخست در واژه‌های اصلی قرآن کریم و ازطریق واژه‌های اصلی به همهٔ واژه‌های قرآن کریم تسری پیدا می‌کند؛ البته روشن است نسبت آن واژهٔ اصلی با سایر واژه‌های قرآنی، شدت و ضعف دارد؛ با این توضیح که هر واژه‌ای که به این واژهٔ اصلی نزدیک‌تر باشد، معانیِ بیشتری از دوایر معنایی آن را به خود اختصاص خواهد داد و هر واژه‌ای که از این واژهٔ اصلی دورتر باشد، معنای کمتری از دوایر معنایی آن را دریافت خواهد کرد؛ ازاین‌رو، واژه‌هایی که به واژهٔ اصلی نزدیک‌اند، از شدت معناییِ بیشتری نسبت به واژهٔ اصلی برخوردارند و این شدت نسبت به سایر واژه‌های نامانوس و کم ارتباط کاهش پیدا می‌کند؛ اما

به صفر نخواهد رسید. در این میان، برای برون‌رفت از هرج و مرج معنایی، باید به سراغ تعیین واژهٔ محوری و کانونی قرآن کریم رفت که نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در معنای سایر واژه‌ها دارد. واژهٔ کانونی به مفسر کمک می‌کند تا دور سیستمی را قطع کند؛ زیرا همچنان که پیش‌تر آمد مشکل دور سیستمی است که تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند. برای برون‌رفت از دور سیستمی، باید آن را قطع کرد. اگر این دور در جایی مانند واژهٔ کانونی قطع شود؛ مشکل تبدیل به مسئله و مسئله نیز حل می‌شود؛ یعنی در این دور، جایی لازم داریم که سکوی نخست باشد تا مفسر بتواند پایش را روی آن بگذارد و از آنجا آغاز کند.

۸. «تسلیم» واژهٔ کانونی قرآن کریم

قرآن کریم کتابی است که پیام خداوند را به بشر می‌رساند. پس دو سویه اصلی این کتاب، الله و انسان است. اگر با این دسته‌بندی به سراغ قرآن کریم برویم، مشاهده خواهیم کرد در سرتاسر این کتاب الهی، بیشترین واژگان مربوط به خداوند و اسامی و صفات خداوند و در مرحله بعد، انسان و ویژگی‌های آن است. واژه‌هایی مانند: الله، رحمن و رحیم و واژه‌هایی مانند: تقوی، ایمان و اسلام. اگر بپذیریم که قرآن کریم برای هدایت انسان به سوی الله نازل شده، پس آن واژهٔ کانونی مرتبط به خدواند است. الله، رب است و انسان، عبد. عبدبودن یعنی تسلیم کامل در برابر رب. تسلیم کامل، همان اسلام است که در همهٔ ادیان ابراهیمی، اصل و اساس بوده و در دین مبین اسلام به اوج خود رسیده است. وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى ... (لقمان: ۲۲)؛ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (بقره: ۱۳۱)؛ قُولُوا آمَنَّا بِاللّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (بقره: ۱۳۶).

بنابراین، «تسلیم»، واژهٔ کانونی است که بخشی از دایرهٔ معنایی آن در سایر واژه‌های نزدیک به آن ساری و جاری است و سپس این سیر ادامه پیدا می‌کند و در واژه‌های سطوح بعدی و نیز در همهٔ واژه‌های قرآنی متناسب با شدت و ضعف از کانون، سرایت پیدا می‌کند. نتیجه اینکه هر واژه‌ای در قرآن کریم، باید به گونه‌ای معنا شود که به‌صورت سیستمی، با واژهٔ تسلیم ارتباط برقرار کند و براساس منطق فازی، در نسبت با تسلیم، در پیوستاری از شدت و ضعف معنا خواهد شد، اما هیچگاه صفر نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

فرایندهای سنتی واژه‌شناسی قرآن کریم و معناشناسی‌های معاصر واژگانی برای فهم معنای واژگان قرآن کریم ناقص‌اند و نوآوری در این عرصه هم به لحاظ مبانی و هم روش، بر عهده مفسران و قرآن‌پژوهان است. براساس نظریهٔ سیستم‌ها، قرآن کریم یک سیستم باز و پیچیده است؛ ازاین‌رو، نگاه سیستمی بر فرایند معناشناسی واژگانیِ قرآن کریم حاکم است. واژگان قرآن کریم در قالب خرده‌سیستم و سیستم تعریف می‌شوند و در مرکز هر خرده‌سیستمی، واژگانی اصلی و در مرکز کل سیستم، واژهٔ کانونی، نقش محوری را بر عهده دارد. واژهٔ کانونی، واژه‌ای است که همهٔ واژه‌های دیگر قرآن کریم بر اساس آن معنا می‌شوند و آن واژهٔ «تسلیم» است. رفت و برگشتِ پویا و پیوسته میان خرده‌سیستم‌ها، واژگان

اصلی و واژهٔ کانونی در درون یک سیستم کلان برقرار است تا معنای دقیق هر واژه در درون هر خرده‌سیستم و سیستم کلان مشخص شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

ابن‌فارس، ابوالحسین احمد. (۱۹۷۹م.). *معجم مقاییس اللغه*. محقق: عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دارالفکر.

ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۰ش). *ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن*. ترجمهٔ فریدون بدره‌ای. تهران: قلم.

_____. *(۱۳۶۱ش)*. *خدا و انسان در قرآن*. ترجمه: احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.

باقری، مهری. (۱۳۷۰ش). *مقدمات زبانشناسی رشتهٔ ادبیات و زبان فارسی*. چ۱. تهران: دانشگاه پیام نور.

براتی، مرتضی. (۱۳۹۶ش). بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهومی. *مطالعات زبانی و بلاغی*، ۸ (۱۶)، ۸۴-۵۱.

البقاعی، ابراهیم بن عمر. (بی‌تا). *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*. قاهره: دارالکتاب الاسلامی.

پاکتچی، احمد. (۱۳۹۶ش). رویکردی ریشه‌شناختی به مادهٔ قرآنی عزم. *پژوهش‌های زبانشناختی قرآن*، ۱۲ (۲)، ۲۲-۱.

پهلوان‌نژاد، محمدرضا و شراره سادات سرسرابی. (۱۳۹۰ش). معادل‌یابی واژگان قرآنی در پرتو روابط موجود در نظریه شبکه معنایی. *فصلنامهٔ مطالعات اسلامی. علوم قرآن و حدیث*، ۴۳ (۸۶/۳)، ۴۴- ۹ .

پهلوان‌نژاد، محمدرضا و علیرضا سزاوار. (۱۳۸۷ش). معناشناسی قرآن؛ مطالعه موردی سوره جمعه. *قبسات*، ۱۳ (۵۰)، ۱۳۰- ۱۰۷.

جاحظ، عمرو بن بحر. (۱۴۲۴ق). *الحیوان*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

جزائری، سید نورالدین بن سید نعمه الله. (۱۳۸۰ق). *فروق اللغات*. نجف: دارالکتب العلمیه.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱ش). *تسنیم*. تفسیر قرآن کریم. جلد ۱. قم: مرکز نشر اسراء.

_____. (۱۳۸۹ش). *تسنیم*. تفسیر قرآن کریم. جلد ۱۳. قم: مرکز نشر اسراء.

خمینی، سید مصطفی. (۱۳۷۶ش). *تفسیر القرآن الکریم؛ مفتاح احسن الخزائن الالهیه*. تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خورسندی طاسکوه، علی. (۱۳۷۸ش). *گفتمان میان‌رشته‌ای دانش*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

دوران، دانیل. (۱۳۷۶ش). *نظریهٔ سیستم‌ها*. ترجمهٔ محمد یمنی دوزی سرخابی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

رضائیان، علی. (۱۳۷۶ش). *تجزیه‌وتحلیل و طراحی سیستم*. تهران: سمت.

شاملی، نصرالله و فرزانه حاجی قاسمی. (۱۳۹۷). بیان استعاری مفاهیم ذهنی مرتبط با روز قیامت در قرآن کریم از منظر معناشناسی شناختی. *پژوهش‌های زبانشناختی قرآن*، ۷ (۱۴)، ۳۴-۱۷.

شاملی، نصرالله و کهندل جهرمی، مرضیه و زهرا قاسم‌نژاد. (۱۳۹۰ش). معناشناسی سیستماتیک و رسم شبکه معنایی واژه قانون و مترادفات آن در قرآن کریم. *حسنا*، ۳ (۹)، ۱۱۳-۸۵ .

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۵۰ش). *قرآن در اسلام*. مصحح محمد باقر بهبودی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

_____. (۱٤۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۹ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی. بیروت: احیاء التراث العربی.

عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله بن سهل بن سعید. (۱٤۲۲ق). الفروق فی اللغه. تصحیح: جمال عبدالغنی مدغمش. بیروت: مؤسسهٔ الرساله.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ش). *کتاب التفسیر*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: چاپخانهٔ علمیه.

قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۸۹ش). *بیولوژی نص. نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

_____. (۱۳۹۰ش). *معناشناسی شناختی قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قمی نیسابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد بن حسین. (۱۳۸۱ق). *غرائب القرآن و رغائب الفرقان. تحقیق و مراجعه: ابراهیم عطوه عوض*. قاهره: مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده.

کمالی، علیرضا. (۱۳۸٤ش). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. قم: دفتر نشر معارف.

گیررتس، دیرک. (۱۳۹۳ش). *نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی*. ترجمهٔ کورش صفوی. تهران: علمی.

ماسن، پاول هنری، کیگان، جروم، هوستون، آلتا کارول و جان جین وی کانجر. (۱۳۸۸ش). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمهٔ مهشید یاسایی. تهران: کتاب ماد.

محمدی، داود و دیگران. (۱۳۸۹ش). *تجزیه‌وتحلیل سیستم‌ها: تفکر سیستمی با رویکرد تصمیم‌گیری و حل مسائل سازمانی*. تهران: ققنوس.

مصطفوی، حسن. (۱۳۷٤ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.

هدایت، شهرام. (۱۳۷۲ش). بحث دربارهٔ چند واژه قرآنی از دیدگاه زبان‌شناسی. *نشریه مترجم*، ۳ (۱۰)، ۱۲۵-۱۵۰.

Frei, H. & Burger, A. & Godel, R. (1963). *Cahiers Ferdinand de Saussure*. Geneve, Librairie Droz.

Hall, A. D., & Fagen, R. E. (1956). Definition of system. *General Systems*, 1 (1), 18- 28.

Halliday, M. A. K. (1994). An introduction to functional grammer. 2nd London: Edward Arnold.

Hallliday, M.A.K. (1978). *Languahe as Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning*, London, Edword Arnold.

Paivio A. (1990). *Mental representations: A dual coding approach*. New York: Oxford University Press.

Bibliography

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

Ibn faris, Ahmad. (1979). *Mu'jam maghaiis al-lughah*. Investigated by Abdul Salam Mohammad Haroon.Beirut: Dar al-Fikr.

Izutsu, Toshihiko. (1981). *The semantic structure of moral-religious concepts in the Qur'an*. Translated by Fereydoun Badrahi. Tehran: Ghalam.

_____. (1982). *God and man in the Quran*. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Enteshar Co.

Sorkhabi. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.

Rezaian, Ali (1997). *Analysis and design of system.* Tehran: Samat.

Shameli, Nasrollah and Farzaneh Haji Ghasemi. (2018). Metaphorical expression of subjective concepts related to the Day of Judgment in the Holy Quran from the perspective of cognitive semantics. *Journal of Quranic Linguistic Research*, 7 (14), 34-17.

Shameli, Nasrollah and Khohandel Jahromi, Marzieh and Zahra Qasemnejad. (2011). Systematic semantics and the semantic network of the word law and its synonyms in the Holy Quran. *Husna*, 3 (9), 113-85.

Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein (1971). *Quran in Islam*. Edited by Mohammad Baqir Behboodi. Tehran: Dar al-kutub al-islamiah.

_____. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publication Office of the Seminary Teachers Association.

Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1379 AH). *Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an.* Edited by Seyed Hashem Rasooli Mahallati. Beirut: Dar ihya' al-turath al-arabi.

Askari, Abu Hilal Hasan bin Abdullah bin Sahl bin Sa'eed. (1422 AH). *Al-furooq fi al-lughah.* Edited by Jamal Abdul Ghani Mudaghmesh. Beirut: Al-risalah institute.

Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud. (2001). *Book of Interpretation*. Investigated by of Sayyid Hashem Rasooli Mahallati. Tehran: Scientific Press.

Qaeminia, Alireza. (2010). *Biology of the text; Semiotics and interpretation of the Qur'an.* Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought.

_____. (2011). *Cognitive semantics of the Quran*. Tehran: Publishing Organization of Research Institute of Islamic Culture and Thought.

Bagheri, Mehri (1991). *Introduction to Linguistics in the field of Persian literature and language.* Vol 1. Tehran: Payame Noor University.

Barati, Morteza (2017). Review and evaluation of conceptual metaphor theory. *Journal of Linguistic and rhetorical studies,* 8 (16), 84-51.

Al-Baqa'i, Ibrahim bin Umar. (n.d). *Nazm al-durar fi tanasub al-ayat wa al-suwar*. Cairo: Dar al-kitab al-islami.

Pakatchi, Ahmad (2017). An etymological approach to the Qur'anic term 'Azm. *Journal of Quranic Linguistic Research,* 12 (2), 22-1.

Pahlevannejad, Mohammad Reza and Sharareh Sadat Sarsarabi. (2011). Equivalence of Quranic words in the light of relations in semantic network theory. *Quarterly Journal of Islamic Studies. Quranic and Hadith Sciences*, 43 (3/86), 44-9.

Pahlevannejad, Mohammad Reza and Alireza Sezavar. (2008). Semantics of the Quran; Case study: Surah Jumu'ah. *Qabsat*, 13 (50), 130-107.

Jahez, 'Amr bin Bahr. (1424 AH). *Al-hayawan.* Beirut: Dar al-kutub al-ilmiah.

Al-Jaza'iri, Sayyid Noor al-Din ibn Sayyid Ni'matullah. (1380 AH*). Furooq al-lughat.* Najaf: Dar al-kutub al-ilmiah.

Javadi Amoli, Abdullah (2002). *Tasnim. Interpretation of Quran*. Vol. 1. Qom: Esra Publishing Center.

_____. (2010). *Tasnim. Interpretation of Quran.* Vol. 13. Qom: Esra Publishing Center.

Khomeini, Seyed Mostafa (1997). *Interpretation of the Holy Quran; The key to the best of the divine treasures.* Tehran: The Institute for publication of the works of Imam Khomeini.

Khorsandi Taskooh, Ali. (1997). *Interdisciplinary discourse of knowledge.* Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.

Duran, Daniel. (1997). *Theory of systems*. Translated by Mohammad Yamani

Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Hedayat, Shahram. (1993). Investigating some Quranic words from a linguistic point of view. *Journal of Translator*, 3 (10), 150-125.

Frei, H. & Burger, A. & Godel, R. (1963). *Cahiers Ferdinand de Saussure*. Geneva, Librairie Droz.

Hall, A. D., & Fagen, R. E. (1956). *Definition of system*. General Systems, 1 (1), 18- 28.

Halliday, M. A. K. (1994). *An introduction to functional grammer*. 2nd London: Edward Arnold.

Hallliday, M.A.K. (1978). *Languahe as Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning*, London, Edword Arnold.

Paivio A. (1990). *Mental representations: A dual coding approach.* New York: Oxford University Press.

Qomi Neishaboori, Nizamuddin Hasan bin Muhammad bin Hussein. (1381 AH). *Gharayib al-Quran wa raghayib al-furqan.* Investigated by Ebrahim Atwa Awad. Cairo: Mustafa Al-Babi Al-Halabi and his sons library and press.

Kamali, Alireza (2005). *Thematic interpretation of the Holy Quran*. Qom: Ma'aref Publishing Office.

Geeraerts, Dirk. (2014). Theories of lexical semantics. Translated by Coorush Safavi. Tehran: Elmi.

Mussen, Paul Henry, Kagan, Jerome, Houston, Alta Carroll and John Janeway Conger. (2009). *Child Development and Personality*. Translated by Mahshid Yasai. Tehran: Mad Book.

Mohammadi, Davood and others. (1389). *The analysis of systems: systematic thinking with a decision-making approach and solving organizational problems*. Tehran: Ghoghnoos.

Mustafavi, Hasan (1995). *Al-Tahqiq fi kalimat al-Quran al-karim*. Tehran:

پی‌نوشت‌ها

1. Systemic Functional Linguistics

۲. قال امیرالمؤمنین علی، علیه‌السلام: ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۸).

3 . Embodiment

4 . Grammaticalization